سنگسار

حکمی از احکام الله جل جلاله

ردی بر کتاب [سنگ وسار]

نوشته ی: خانم عاطفه "طیب"

گردآورنده: ابوشاکرمسلم

موحدین

(بیداری امت)

بسم الله الرحمن الرحیم

مشخصات کتاب

عنوان کتاب: سنگسار ، حکمی از احکام الله ﷻ

نویسنده: ابوشاکرمسلم.

نوبت انتشار: بار اول سال ۱۳۹۷

قال النبی ﷺ:إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ إِلَى امْرَأَةٍ (أَوِ امْرَأَةٍ) يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ[صحيح البخاری]

فهرست مطالب صفحه

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على نبينا مُحَمَّد وآله وصحبه أجمعين، وبعد:

زمانیکه محصل بودم یکی از برادرانم کتابی را به اسم(سنگ وسار) نوشته ی خانم عاطفه"طیب" را برایم هدیه داد ، ومتأسفانه آن دوبار چاپ گردیده بود ونزد استعمار بهترین کتاب را درافغانستان گرفته بوده ، وقبلاً یکی محصلین پوهنتون کابل که متأثر از اشراق ومستشرقین گردیده بود او نیز برمسئله سنگسار زبان درازی کرده وگفته بود سنگسار در اسلام نیست ، اما هفت صبح بود که دریکی ازصفحات اجتماعی دیدم خانم (عاطفه"طیب") میخواست لینک کتاب خویش را به نشر بسپارد ، تا اذهان و افکار مسلمانان را از اکاذیب خود ویران کرده وسبب خوشهالی مستشرقین گردد ، بنده ولله الحمد از هشت صبح تا چهار عصر در مکتبه ی خود نشستم وتمام دلائل سنگسار را جمع آوری کرده وبعضی از شبهات آنرا پاسخ گفته ودر این رساله جمع اوری نمودم ، اینک که باذن الله در خدمت تان قرار دارد ، ولازم به ذکر است که این رساله در مدت نه ساعت نوشته شده است ، ودر انتشار بعدی باذن الله کوشش خواهیم نمود که دلائیلی زیادی جمع اوری نماییم ، به امیدی اینکه این رساله سبب رضامندی الله ﷻ گردد ، ونیز بنده توانسته باشم از یکی از احکام الله دفاع کرده باشم.

برادر شما:ابوشاکرمسلم- کابل/افغانستان

(رجم) که درقرآن وحدیث وکتب فقه آمده معنی آن چیست؟

رجم در قران وسنت زیاد آمده است(که بعداً بحث طولانی باذن الله خواهیم نمود) ولیکن معنی آن چنین می باشد[در اصل رجم بمعنی سنگ انداختن است ولی تمام الفاظ رجم که در قرآن آمده است بمعنی قتل است -بنابراین رجم بمعنی قتل است] وهمین معنی را تمام کتب لغة راجح دانسته اند.

» وکتاب دیگر لغة به اسم(معجم المعانی) میگوید: کلمه (رجم) به معنی: سنگ انداختن است.

ثبوت سنگسار درقرآن کریم

در قرآنکریم عده ی از احکام چنین است که تلاوت اش منسوخ ولی حکم اش تا قیام قیامت باقی میباشد ، از آن جمله آیات یکه تلاوت اش منسوخ ولی حکم اش باقی ، آیه سنگسار میباشد –بعداً درمورد ناسخ ومنسوخ آیات بحث خواهیم نمود باذن الله–.

»آیت یکه ثابت می سازد زن شوهر دار، ومرد زن دارسنگسار شوند این است:{الشَّيْخُ وَالشَّيْخَةُ إِذَا زَنَيَا فَارْجُمُوهُمَا الْبَتَّةَ}[تفسیرآیات احکام].

یعنی: هرگاه شیخ وشیخه = زن و مرد (که زن شوهر دار باشد ومرد زن دار) مرتکب عمل زنا شوند ؛آنان را سنگسار کنید (خامخا).

تأییدوحی توسط وحی دیگر: این آیه را حدیث صحیح نیز تأیید کرده « عایشة رضی الله عنها گفت: "آیة رجم نازل شد و در صحیفه ای در زیر تختم گذاشته بودم" (صحیح ابن ماجة: ١٩٤٤).»

وعمر رضی الله عنه فرمود:«والرجم في كتاب الله حق»(متفق علیه)

یعنی: سنگسار در کتاب الله ثابت بوده است.

و در روایت ابوداوود شماره حدیث (٤٤١٨) آمده است که عمر گفت: "و قسم به الله، اگر بجز این نبود که مردم بگویند که عمر قرآن را اضافه کرده است آیة رجم را در قرآن مینوشتم ." (بله عمر شخص هوشیاری بود میدانست که زمانه ی می آید که نصوص شرعی (قرآن وحدیث) را انکار مینمایند پس من که در قرآن دوباره آیه سنگسار را اضافه کنم که غیر از اینکه حکم اش باقی است ، تلاوت اش هم باشد بالای من (عمر) حرف میزنند.)

در واقع این فقط عمر نبود که این را بیان کرده بود، بلکه دیگر اصحاب نیز از آیة رجم آگاه بودند.

پس ثابت شده که سنگسار در قرآن کریم (کلام الله جل جلاله) ثابت بوده وانکار از آن کفر صریح میباشد.

ثبوت سنگسار دراحادیث صحیح نبوی ﷺ

طبق معلومات من (۸۹۵) احادیث واثار با الفاظ مختلف وراویان مختلف در (۲۵۰) کتب حدیثی جهان موجود میباشد.اگر تمامی ان احادیث را میخواهید در "المکتبة الشاملة" به عنوان(الرجم) سرچ کنید.

مختصراً باذن الله بعضی ازآنها را اشاره خواهیم نمود:

۱:صحیح البخاری: در این کتاب ۲۱ بار احادیث سنگسار آمده است به شماره های(۲۶۹۶، ۲۷۲۵، ۳۶۳۵ ، ۴۵۵۶، ۴۵۷۲، ۶۶۳۴، ۶۸۲۰وغیره مراجعه کنید)

۲:صحیح مسلم: درصحیح مسلم ٤ بار احادیث سنگسار ذکر شده است به شماره های(۱۶۹۰، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹.)

۳:سنن ابی داود: در سنن ابوداود ۱۳ بار احادیث سنگسار ذکر شده به شماره های چون(٣٦٢٦ ، ٣٦٢٨، ٤٤١٥وغیره) لازم به ذکر است که امام ابوداود مستقل باب در کتاب خویش نهاده است وفرموده است(این باب است درمورد سنگسار کردن شماره باب۲۳).

۴:سنن الترمذی: موصوف ۸ بار احادیث سنگسار را ذکر نموده است ونیز بابی نهاده که (این باب درمورد سنگسار کردن است) به شماره های چون(١٤٣٢، ١٤٣٣، ١٤٥٦ وغیره)

۵:سنن ابن ماجه: ابن ماجه ٦ بار احادیث سنگسار را آورده است وموصوف نیز باب نگاریده است که (این باب درمورد سنگسار کردن است) وبه شماره های چون:(١٩٤٤ ، ٢٥٥٣ وغیره)

۶:سنن نسائی: نیز ٦ بار احادیث سنگسار را آورده است به شماره های چون:(٢٣٦٣ ، ٢٣٦٨).

بعضی از احادیث رسول اللّه ﷺ درمورد ثبوت سنگسـار: مشت نمونه خروار:

حدیث اول: « عن أبي هريرة وزيد بن خالد : أن رجلين اختصما إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال أحدهما : اقض بيننا بكتاب الله وقال الآخر : اجل يا رسول الله فاقض بيننا بكتاب الله وائذن لي أن أتكلم قال : " تكلم " قال : إن ابني كان عسيفا على هذا فزنى بامرأته فأخبروني أن على ابني الرجم فاقتديت منه بمائة شاة وبجارية لي ثم إني سألت أهل العلم فأخبروني أن على ابني جلد مائة وتغريب عام وإنما الرجم على امرأته فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم : " أما والذي نفسي بيده لأقضين بينكما بكتاب الله أما غنمك وجاريتك فرد عليك وأما ابنك فعليه جلد مائة وتغريب عام وأما أنت يا أنيس فاغد إلى امرأة هذا فإن اعترفت فارجمها " فاعترفت فرجمها » متفق عليه.

ترجمه حدیث: ابوهريره وزيد بن خالد رضی الله عنهما روايت است ، آنهاميگويند: دو مرد با هم خصومت کردند ، وبه نزد رسول الله صلى الله عليه وسلم آمدند ، يکی از آنها گفت: بين ما به کتاب الله فيصله کن ، دومی گفت: بلی ای رسول الله درست است وبه من اجازه بده تا واقعه را درست بيان کنم ، پيامبر گفت: بگو

.گفت: پسر من با این مرد مزدوری میکرد پس با زن وی زنا کرد ، بمن خبر دادند که پسر من سنگسارمیشود من از طرف وی یکصد گوسفند ویک کنیز خود را دادم سپس از اهل علم پرسیدم ، بمن خبر دادند که بر پسر من یکصد تازیانه بوده وبرای یکسال از شهر بیرون کشیده میشود ورجم برزن وی(مرد جانب مقابل) است ، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: سوگند به ذات یکه نفس در دست اوست من بین شما به کتاب الله فیصله میکنم ، گوسفندان وکنیز تو برایت مسترد گردیده پسرت یکصد تازیانه زده میشود وبرای یکسال از شهر بیرون کشیده میشود ، اما تو ای انیس ، به نزد زن این مرد برو اگر به این جرم اعتراف کرد واو را رجم (سنگسار) کن ، آن زن اعتراف واقرار کرد ، وانیس اورا سنگسار نمود.

حدیث دوم: « وعن عبد الله بن عمر : أن اليهود جاؤوا إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فذكروا له أن رجلا منهم وامرأة زنيا فقال لهم رسول الله صلى الله عليه وسلم : " ما تجدون في التوراة في شأن الرجم ؟ " قالوا : نفضحهم ويجلدون قال عبد الله بن سلام : كذبتم إن فيها الرجم فأتوا بالتوراة فنشروها فوضع أحدهم يده على آية الرجم فقرأ ما قبلها وما بعدها فقال عبد الله بن سلام : ارفع يدك فرفع فإذا فيها آية الرجم . فقالوا : صدق يا محمد فيها آية الرجم . فأمر بهما النبي صلى الله عليه وسلم فرجما . »متفق عليه.

ترجمه حدیث: ازعبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است وی میگوید: چند نفر یهودی بخدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده گفتند: که از بین ایشان یک مرد بایک زنی زنا کرده است؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:درتورات درمورد رجم چه حکم است؟ گفتند ماآنها را رسوا کرده تازیانه میزنیم. عبدالله بن سلام گفت: شما دروغ گفتید هرآئینه در تورات حکم رجم است ، پس تورات را آورده باز کردند یکی از ایشان دست خود را بالای ایت رجم گذاشت پس وپیش انرا خواند .عبدالله بن سلام گفت: دست ات را بر دار! چون دست خویش را بر داشت آیة رجم ظاهر شد ، یهود گفتند: ای محمد عبدالله بن سلام راست گفته است در تورات آیة رجم است ، رسول الله صلی الله علیه وسلم برآنها حکم رجم نموده سنگسار گردیدند .

حدیث سوم: « وعن أبي هريرة قال : أتى النبي صلى الله عليه وسلم رجل وهو في المسجد فناداه : يا رسول الله إني زنيت فأعرض عنه النبي صلى الله عليه وسلم فتنحى لشق وجهه الذي أعرض قبله فقال : إني زنيت فأعرض عنه النبي صلى الله عليه وسلم فلما شهد أربع شهادات دعاه النبي صلى الله عليه وسلم فقال : " أبك جنون ؟ " قال : لا فقال : " أحصنت ؟ " قال : نعم يا رسول الله قال : " اذهبوا به

فارجموه " قال ابن شهاب : فأخبرني من سمع جابر بن عبد الله يقول : فرجمناه بالمدينة فلما أذلقته الحجارة هرب حتى أدركناه بالحرة فرجمناه حتى مات»رواه البخاری.

ترجمه حدیث: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است وی میگوید: درحالیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم در مسجد تشریف داشت ، مردی آمد وگفت: ای رسول الله! من مرتکب زنا گردیدم ، پیامبر از وی روی مبارک خویش را بر گردانید ، دوباره آن مرد به سوی پیامبر اسلام از طرف دیگر آمد وگفت من زنا کردم ، باز پیامبر از آن روی گردانید ، (چون آن مرد چهار مرتبه بر نفس خویش گواهی داد) رسول الله صلی الله علیه وسلم او را خواسته گفت: آیا مجنون شده ای (که برخود گواهی میدهی") گفت نخیر دیوانه نیستم ، پیامبر فرمود: آیا ازدواج کردی؟(همسر دار هستی) گفت بله ، پیامبر گفت اورا ببرید وسنگسار کنید ، ابن شهاب میگوید: کسیکه از جابر بن عبدالله شنیده بود بمن خبر داد که میگفت: اورا در مدینه سنکسار کردیم چون از اصابت سنگها اذیت گردید گریز کرد تا آنکه اورا در سنگستان یافتیم پس اورا تا وقتی سنگسار کردیم که از پا در افتاد ومرد.

حديث چهارم: « وعن ابن عباس قال : لما أتى ماعز بن مالك النبي صلى الله عليه وسلم فقال له : " لعلك قبلت أو غمزت أو نظرت ؟ " قال : لا يا رسول الله قال : " أنكتها ؟ " لا يكني قال : نعم فعند ذلك أمر رجمه . رواه البخاري »

ترجمه حديث: از ابن عباس رضی الله عنه روايت است كه فرمود: وقتيكه ماعز بن مالک به نزد پيامبر اسلام آمد وگفت: كه من زنا كرده ام ، پيامبر گفت: شايد بوسه گرفته باشی يا به وی دست برده باشی يابه سوی وی نگاه كرده باشی(وآنرا زنا فكر كرده باشی) گفت: نخير اينطور نيست ای رسول الله ، پيامبر فرمود:ايا تو جماع كرده ئی؟ گفت: بلی جماع كرده ام ، پس در اين وقت پيامبر امر فرمود: كه سنگسار گردد.

حديث پنجم: [آمدن زنی نزد پيامبر وگفتن او (من را سنگسـاركن) وشفقت پيامبر درحق او] « جاءت امرأة من غامد من الأزد فقالت : يا رسول الله طهرني فقال : " ويحك ارجعي فاستغفري الله وتوبي إليه " فقالت : تريد أن ترددني كما رددت ماعز بن مالك : إنها حبلى من الزنا فقال : " أنت ؟ " قالت : نعم قال لها : " حتى تضعي ما في بطنك " قال : فكفلها رجل من الأنصار حتى وضعت فأتى النبي صلى الله عليه وسلم فقال : قد وضعت الغامدية فقال : " إذا لا نرجمها وندع ولدها صغيرا ليس له من يرضعه " فقام رجل من الأنصار فقال : إلي

رضاعه يا نبي الله قال : فرجمها . وفي رواية : أنه قال لها : " اذهبي حتى تلدي " فلما ولدت قال : " اذهبي فأرضعيه حتى تفطميه " فلما فطمته أتته بالصبي في يده كسرة خبز فقالت : هذا يا نبي الله قد فطمته وقد أكل الطعام فدفع الصبي إلى رجل من المسلمين ثم أمر بها فحفر لها إلى صدرها وأمر الناس فرجموها فيقبل خالد بن الوليد بحجر فرمى رأسها فتنضح الدم على وجه خالد فسبها فقال النبي صلى الله عليه وسلم : " مهلا يا خالد فو الذي نفسي بيده لقد تابت توبة لو تابها صاحب مكس لغفر له " ثم أمر بها فصلى عليها ودفنت . رواه مسلم »

ترجمه حدیث: یک زن از قبیله غامد ازد آمد وگفت: ای رسول الله من را پاک کن! پیامبر فرمود: وای برتو برگرد از الله امرزش وبه سوی وی توبه ورجوع کن ، آن زن گفت: ای رسول الله میخواهی من را همچون ماعز(که در حدیث فوق واقعه آن ذکر گردید) بازگردانی؟ او(من) از زنا حامله شده است ، پیامبر گفت: توخودت حامله هستی؟ گفت بله! فرمود: انتشار بکش تا آنچه که در شکم داری آنرا تولد کنی ،پس کفالت اورا یک مرد انصاری بدوش گرفت تا بزاید ، پس دوباره(بعدها) نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده وگفت: ای پیامبر! آن زن غامدیه بار (طفل) شکم خود را نهاد (زائید) رسول الله فرمود:اکنون اورا سنگسار نمی کنیم ، چون طفل او خورد است واورا تنها نمیگذاریم ، کسی نیست که اورا شیر دهد ، پس

یک مرد انصاری برخاسته گفت: من شیر دادن اورا بدوش میگیرم ، پس ان زن را رجم کرد ،

ودر دیگر روایت آمده است: که رسول الله به آن زن گفت: برو تا آنکه بار شکم ات را بنهی ، چون زائید به وی گفت: برو طفلت را شیر ده تا اورا از شیر دادن باز داری (تا که ایام شیرخوارگی او سپری گردد) چون طفل خود را از شیردادن باز داشت پسر خورد را آورد ، درحالیکه بدستش پارچه نانی را داده بود گفت: ای پیامبر الله من اورا شیردادم (وایام شیرخوارگی اش سپری گردید) و اکنون نان خوردن را شروع کرده است ، رسول الله صلی الله علیه وسلم پسر وی را به یکی از مسلمانان داده و امر کرد که تا حد سینه آن زن حفر کنده شود ، پس رجم گردید.

حدیث ششم:« وعن جابر : أن رجلا زنى بامرأة فأمر به النبي صلى الله عليه وسلم فجلد الحد ثم أخبر أنه محصن فأمر به فرجم . رواه أبو داود »

ترجمه حدیث: جابر میگوید: یک مرد با یک زنی زناکرد ، رسول الله صلی الله علیه وسلم امر نمود ؛ وآن مرد تازیانه زده شد ، سپس به پیامبر اطلاع داده شد که آن مرد (همسر دار است) سپس پیامبر امر فرمود تا سنگسار گردد ، پس او سنگسار شد.

حديث هفتم:« وعن ابن عباس أن النبي صلى الله عليه وسلم قال لماعز بن مالك : " أحق ما بلغني عنك ؟ " قال : وما بلغك عني ؟ قال : " بلغني أنك قد وقعت على جارية آل فلان " قال : نعم فشهد أربع شهادات فأمر به فرجم . رواه مسلم »

حديث هشتم:« وعن عبادة بن الصامت أن النبي صلى الله عليه وسلم قال : " خذوا عني خذوا عني قد جعل الله لهن سبيلا : البكر بالبكر جلد مائة وتغريب عام والثيب بالثيب جلد مائة والرجم " »

حديث نهم:« وعنه : أن امرأة خرجت على عهد النبي صلى الله عليه وسلم تريد الصلاة فتلقاها رجل فتجللها فقضى حاجته منها فصاحت وانطلق ومرت عصابة من المهاجرين فقالت : إن ذلك الرجل فعل بي كذا وكذا فأخذوا الرجل فأتوا به رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال لها : " اذهبي فقد غفر الله لك " وقال للرجل الذي وقع عليها : " ارجموه " وقال : " لقد تاب توبة لو تابها أهل المدينة لقبل منهم " . رواه الترمذي وأبو داود »

حديث دهم:« وعن يزيد بن نعيم بن هزال عن أبيه قال : كان ماعز بن مالك يتيما في حجر أبي فأصاب جارية من الحي فقال له أبي : ائت رسول الله صلى الله عليه وسلم فأخبره بما صنعت لعله يستغفر لك وإنما يريد بذلك رجاء أن يكون له

مخرجا فأتاه فقال : يا رسول الله إني زنيت فأقم علي كتاب الله حتى قالها أربع مرات قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : إنك قد قلتها أربع مرات فبمن ؟ " قال : بفلانة . قال : " هل ضاجعتها ؟ " قال : نعم قال : " هل باشرتها ؟ " قال : نعم قال : " هل جامعتها ؟ " قال : نعم قال : فأمر به أن يرجم فأخرج به إلى الحرة فلما رجم فوجد مس الحجارة فجزع فخرج يشتد فلقيه عبد الله بن أنيس وقد عجز أصحابه فنزع له بوظيف بعير فرماه به فقتله ثم أتى النبي صلى الله عليه وسلم فذكر ذلك له فقال : " هلا تركتموه لعله أن يتوب . فيتوب الله عليه " . رواه أبو داود »

{تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ}

بله عزیزم: این بود بعضی از احادیث پیامبر اسلام درموردسنگسار ، حالا قبول کنی مسلمان وتابع دار پیامبر ، واگر قبول نکنی کافر وتابع دار هوی وهوس.

ثبوت سنگسار در عصر صحابه(شیرمردان تاریخ)

یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم در زمان حکمداری خویش این حکم الله ورسول الله صلی الله علیه وسلم را تطبیق نمودند ، هم ابوبکر وهم عمر وهم علی وهم عثمان ودیگر خلفای اسلام.

» مسند ابویعلی شماره حدیث(٦٥٥٩) روایت میکندکه صحابی فرمود:« فقد رأیت رسول الله صلى الله علیه وسلم رجم ورجمنا بعده»

یعنی: دیدم رسول الله صلى الله علیه وسلم که سنگسار کرد وبعد از آن (صحابه) نیز سنگسار کردند.

خلیفه ی اسلام عمر پسر خطاب فرمود:« رجم رسول الله صلى الله علیه وسلم ورجمنا بعده والرجم في کتاب الله حق على من زنى إذا أحصن من الرجال والنساء إذا قامت البینة أو کان الحبل أو الاعتراف » (متفق علیه)

یعنی:پیامبر اسلام رجم کرده است ، وما نیز بعد از وی رجم کرده ائیم ، وبر کسیکه ازدواج کرده باشد زن باشد یا مرد بر وی در کتاب الله سنگسار کردن حق وثابت است وقتیکه گواهان قایم شوند یا حمل ظاهر گردد ویا زن اعتراف نماید.

امام ابن حجر عسقلانی در فتح الباری [که امام شوکانی درمورد فتح الباری میگوید:لاهجرة بعدالفتح ، یعنی بعد فتح الباری کدام شرحی نیست] میگوید: هنگامی که عمر آیة رجم را در خطبه جمعه بیان کرد، علماء و بزرگان صحابه حضور داشتند و آنرا اقرار کردند و کسی آنرا انکار نکرد، پس بقیه اصحاب نیز از آیه رجم با خبر بودند.(پس به این امر اجماع شد در عصر صحابه).

واصحابی چون سیدنا ابوبکر ، سیدنا عمر ، سیدنا عثمان ، سیدنا علی ، ابی بن کعب ، زید بن ثابت ، جابر بن عبدالله ؛ هم سنگسار کرده اند وهم شاهد وحاضر بوده اند.

سنگسار دستور اللّه ﷻ ودستور پیامبر ﷺ

شکی نیست که حکم سنگسار ازقرآن و حدیث در اسلام ثابت مانده است، زیرا در کتب ستة و از ائمة اربعة نقل شده است، و پیامبر صلی الله علیه و سلم و خلفای راشدین یعنی ابوبکر و عمر و عثمان و علی در زمان حکمشان آنرا تطبیق کرده اند .

در صحیح بخاری شماره (٦٨٣٠) و صحیح مسلم شماره (١٦٩١) از عمر بن الخطاب نقل شده است که گفت: "بدرستیکه الله پیامبر صلی الله علیه و سلم را به حق برگزیده است، و کتاب (قرآن) را بر او نازل کرد، و از چیزهایی که بر او نازل کرد آیه رجم (سنگسار) بود، پس ما آنرا خواندیم و فهمیدیم و درک کردیم و پیامبر صلی الله علیه و سلم آنرا انجام داد و ما نیز بعد از او انجام دادیم، و من میترسم پس از مدت زمانی کسی بگوید: قسم به الله که آیة رجم را در قرآن نمیبینیم، و سپس با ترک کردن این فریضه گمراه میشوند، و رجم در کتاب الله

واجب است بر محصن (کسی که ازدواج و جماع کرده باشد) زن و مرد، اگر دلیل اثبات شود، و یا زن حامله شود، و یا کسی اعتراف کند ".

و در روایت ابوداوود شماره حدیث (٤٤١٨) آمده است که عمر سپس گفت: "و قسم به الله، اگر بجز این نبود که مردم بگویند که عمر قرآن را اضافه کرده است آیة رجم را در قرآن مینوشتم ."

و امام بخاری در کتاب "احکام" بصورت تعلیق (یعنی بدون سند) روایت کرده است که سپس عمر گفت: "اگر بجز این نبود که مردم بگویند عمر قرآن را اضافه کرد، آیة رجم را با دستم مینوشتم "

در واقع این فقط عمر نبود که این را بیان کرده بود، بلکه دیگر اصحاب نیز از آیة رجم آگاه بودند، مثلا عایشة رضی الله عنها گفت: "آیة رجم نازل شد و در صحیفه ای در زیر تختم گذاشته بودم" (صحیح ابن ماجة: ١٩٤٤)

و "حافظ ابن حجر" در کتابش "فتح الباری" بیان کرده است که آیة رجم از "ابی بن کعب" و "زید بن ثابت" نیز اثبات شده است .

و هنگامی که عمر آیة رجم را در خطبه جمعه بیان کرد، علماء و بزرگان صحابه حضور داشتند و آنرا اقرار کردند و کسی آنرا انکار نکرد، پس بقیه اصحاب نیز از آیه رجم با خبر بودند .

در واقع در مورد آیة رجم علماء در اصول فقه در مبحث "نسخ" بیان کرده اند که این آیه قراءتش از قرآن نسخ شده است و دیگر آیه قرآن بحساب نمی آید ولی حکمش باقی مانده است، و نسخ در قرآن به سه روش رخ داده است :(طوریکه شیخ محمدعلی صابونی در کتاب–تفسیرایات احکام– چنین بیان نموده است:

۱: هم قراءت آیة و هم حکمش نسخ شود مانند آیه " عشر رضعات معلومات یحرّمن " یعنی: "ده بار شیر دادن محرمیت ایجاد میکند "

۲: قراءتش ثابت بماند ولی حکمش نسخ شود مانند آیة "وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ" (البقرة: ۲۸٤) یعنی: "و اگر آنچه که در نفس خود پنهان دارید و یا آشکار کنید خداوند آنرا از شما محاسبه خواهد کرد "

۳: قراءتش نسخ شود و حکمش باقی بماند مانند آیة رجم، و شاید بهمین علت عمر رضی الله عنه آنرا در قرآن ننوشت زیرا از آنجاییکه قراءتش نسخ شده بود دیگر

آیه قرآن بشمار نمیرفت پس نوشتن آن در قرآن جائز نبود. (برای توضیح بیشتر به کتاب "المنتقى شرح الموطأ حدیث رقم ۱۵۶۰ مراجعه شود).

پس برای محصن زناکار، یعنی کسی که آزاد، عاقل، بالغ باشد و با عقد صحیح ازدواج کرده باشد و با همسرش جماع کرده باشد، عقوبتش سنگسار کردن تا دم مرگ میباشد، چه برای زن و چه برای مرد، همانطور که از پیامبر صلی الله علیه و سلم ثابت شده است که "ماعز" و "جهنية" و "غامدية" و "دو زن و مرد یهودی" را که محصن بودند و زنا کرده بودند را رجم کرد، و اهل علم از اصحاب و تابعین و غیره آنرا اقرار کرده اند .

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: " خذوا عنی، خذوا عنی، قد جعل الله لهن سبیلا البكر بالبكر جلد مائة ونفي سنة والثيب بالثيب جلد مائة والرجم " روایت مسلم (۱٦۹۰) یعنی: "از من بگیرید، از من بگیرید، خداوند راهی را برای آنها (زناکاران) گشوده است، برای زناکار بکر با بکر (کسی که ازدواج نکرده باشد) یکصد ضربه شلاق و تبعید یک سال، و برای زناکار ثیب با ثیب (کسی که ازدواج کرده باشد) صد ضربه شلاق و سنگسار ".

مخالف دستور اللّه ﷻ ورسول اللّه ﷺ نباش !

{ وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَى وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيراً} سوره النساء/١١٥.

عزیزم:حد سنگسار برای زناکار محصن (افراد متاهل و ازدواج کرده) در شرع ثابت است و شایسته کسی نیست که محبت الله و رسولش را در قلب دارد ولی منکر شریع پاک وی شود چرا که کسی یکی از احکام شرع را انکار کند یا به آن طعنه زند کافر خواهد بود.والعیاذبالله لذا شخص بایستی از اینگونه طرز تفکر که بیشتر ناشی از تبلیغات ملحدین و صلیبیان است برائت جوید و صف خود را از کفار و مرتدان جدا سازد.

سنگسار قول وفعل پیامبر ﷺ بوده وهمچنان برای هیچ کسی مناسب نیست به جز سنگسار کدام عقوبتی را برای زنا کار مد نظر بگیرد !

واجب است زناکار محصن را سنگسار (رجم) نمود تا آنکه می میرد، تا به سنت رسول صلی الله علیه وسلم عمل شده باشد، چرا که این عمل بوسیله قول و فعل و امر ایشان ثابت شده است، رسول الله صلی الله علیه وسلم (سه شخص

زناکار بنامهای) ماعز و جهینه و غامدیه و همچنین دو یهودی را رجم نمودند، این از طریق احادیث صحیح نبوی صلی الله علیه وسلم ثابت شده است و همینطور اهل علم از صحابه رضی الله عنه گرفته تا تابعین و بعد آنها بر آن اجماع نمودند، و کسی در آن مخالفت نورزیده بجز کسانی که مخالفتشان اهمیت و اعتبار ندارد .

امام بخاری و مسلم در صحیح خود از ابن عباس رضی الله عنهما از عمر رضی الله عنه روایت کردند که گفت : « إِنَّ اللهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَقِّ، وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ فَكَانَ مِمَّا أَنْزَلَ اللهُ آيَةُ الرَّجْمِ، فَقَرَأْنَاهَا وَعَقَلْنَاهَا وَوَعَيْنَاهَا رَجَمَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَجَمْنَا بَعْدَهُ فَأَخْشى، إِنْ طَالَ بِالنَّاسِ زَمَانٌ، أَنْ يَقُولَ قَائِلٌ: وَاللهِ مَا نَجِدُ آيَةَ الرَّجْمِ فِي كِتَابِ اللهِ؛ فَيَضِلُّوا بِتَرْكِ فَرِيضَةٍ أَنْزَلَهَا اللهُ وَالرَّجْمُ فِي كِتَابِ اللهِ حَقٌّ عَلَى مَنْ زَنَى، إِذَا أُحْصِنَ، مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ، إِذَا قَامَتِ الْبَيِّنَةُ، أَوْ كَانَ الْحَبَلُ أَوِ الاعْتِرَافُ» إلخ. یعنی : «همانا الله محمّد صلی الله علیه وسلم را به حق فرستاد و قرآن را بر او نازل نمود، یکی از آیات نازل شده آیه مربوط به رجم است، ما این آیه را در قرآن خواندیم و معنی آنرا درک کردیم و آنرا حفظ نمودیم، رسول خدا صلی الله علیه وسلم در زمان خود رجم را انجام داد و ما هم بعد از او رجم را انجام دادیم، می‌ترسم مدتی

بگذرد مردم بگویند: قسم به خدا ما آیه مربوط به رجم را در قرآن نمی‌بینیم، آن موقع مردم به واسطه ترک کردن یک امر واجب که خداوند به آن دستور داده است گمراه خواهند شد، باید بدانید رجم کسی که بعد از ازدواج و نزدیکی با همسرش مرتکب زنا می‌شود امری است حق و در کتاب خدا ثابت است و وقتی که شاهد به زنا یا حاملگی وجود داشته باشد و یا اعتراف به زنا شود حکم رجم در حق چنین مرد و زنی اجرا می‌گردد».

بر این اساس تغییر سنگسار به کشتن از طریق شمشیر یا انداختن در آتش جایز نیست، زیرا شدت عقوبت و مجازات رجم بر فاحشه زنا که بزرگترین گناه بعد از شرک و قتل نفس است، بیشتر است، علاوه بر آن حد زنا با سنگسار از امورات توقیفی است که مجالی برای اجتهاد و رأی در آن نیست، و اگر قتل یا انداختن در آتش در حق زناکار جائز می بود رسول صلی الله علیه وسلم آنرا انجام و به امتش بیان می فرمود، و صحابه او نیز بعد از ایشان چنین می کردند رضی الله عنهم».

اتفاق علما بر وجوب سنگسار

علماء بر این اتفاق نظر دارندکه اگر زن ازدواج کرده(زن شوهردار) یا مرد ازدواج کرده (مرد زن دار)مرتکب زنا شدند باید رجم (سنگسار) شونددلائل انها چنین است:

دلیل اول:از ابوهریره روایت است که مردی در مسجد پیش پیامبر صلی الله علیه و سلم آمد وگفت: ای رسول الله: من مرتکب عمل زنا شده‌ام! پیامبر صلی الله علیه و سلم از او روی برگرداند تا چهار بار این اعتراف را تکرارکرد و پیامبر صلی الله علیه و سلم به وی توجه نکرد ولی چون چهار بار این گواهی را برعلیه نفس خویش داد پیامبر صلی الله علیه و سلم اورا خواند وگفت: " أبک جنون "؟ [آیا تو دیوانه‌ای؟]" گفت: نخیر. پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت:" فهل أحصنت "؟[ازدواج کرده‌ای؟]" گفت: آری. پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت:" اذهبوا فارجموه [او را ببرید و رجم کنید و سنگسار نمائید]. (مشکاة المصابیح ، وعلمای جرح وتعدیل این حدیث را صحیح دانسته اند)

شاهد:ابن شهاب گوید: کسی به من خبر دادکه از جابر بن عبدالله شنیده بود که گفت: من از جمله کسانی بودم که در رجم آن مرد شرکت داشتیم، او را

در "مصلی = جای نماز عید" رجم‌کردیم وقتی که باریدن سنگ به سوی او سرازیر شد، فرار کرد و ما در "حره" به وی رسیدیم و او را سنگسار کردیم". این روایت متفق علیه است. و این دلیل است‌که احصان با یک بار اقرار و اعتراف از شخصی ثابت می‌گردد و جواب دادن به "نعم = آری" خود اقرار است .

دلیـــل دوم: از ابن عباس نقل است‌که عمر بن خطاب در ضمن خطابه گفت: "خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و سلم را به حق مبعوث‌کرده و قرآن بروی نازل نموده است و از جمله آنچه بر وی نازل شده آیه رجم است‌که آن را خوانده و حفظ کرده‌ایم، پیامبر صلی الله علیه و سلم برابر آن به رجم زناکار محصن پرداخته و ما نیز چنین‌کرده‌ایم. من نگران این هستم که اگر زمان طولانی بگذرد، کسی بگوید: ما درکتاب خدا اثری از رجم نمی‌بینیم آن گاه مردم گمراه شوند با ترک فریضه‌ای‌که خداوند آن را نازل‌کرده و بدان دستور داده‌اند،که هر مرد و هر زنی محصنی و ازدواج کرده‌ای مرتکب زنا شود که‌گواهانی برآن گواهی دهند یا اینکه زن بی‌شوهری‌که قبلا ازدواج کرده آبستن‌گردد یا وسیله اعتراف مرتکب شونده جرم ثابت شود، بایستی مرتکب زنا در این حال رجم‌گردد. بخدای قسم اگر ترس نبودکه مردم بگویند: عمر چیزی

به قرآن افزوده است آیه رجم را دستور می‌دادم که بنویسند". این روایت را بطور مختصر یا مطول شیخین و ابوداود و ترمذی و نسائی روایت کرده‌اند .

امام شوکانی میگوید: در نیل الاوطار، که ثبوت حکم رجم مورد اجماع همه می‌باشد.

آیا میدانید امام شوکانی چه کسی بــود؟: علما درمورد او نوشته اند: عقیده او همانند عقیده ی سلف صالح می باشد(نیل الاوطار).

مذاهب اربعه: اگر چه اسلام چهار مذهب ندارد ، بلکه اراء علما زیاد است ، ولی چون که در افغانستان مشهور است اینجا چهار ذکر کردیم ، دکتور وهبة الزحیلی در کتاب جهانی خویش (فقه الاسلامی وادلته) میگوید: سنگسار واحادیث آنرا تمام علمای اسلام چون:حنابله ، شوافع ، احناف ، مالکی ها ، تأیید کرده وبه عنوان یک حکم الهی قبول کرده ودر کتب خویش نوشته اند.

اولین کسیکه در صدر اسلام سنگسار شد

اولین شخصی که سنگسار شداز مردان"ماعز" بود ، واز زنان "جهنیة" و "غامدیة" بود(مشكاة المصابیح کتاب الحدود).

بدل کردن سنگسار با عقوبت دیگری حرام است

بدل کردن رجم(سنگسار) با عقوبت دیگر مانند شمشیر، اعدام، تیر، و غیره بجز سنگسار کردن جائز نیست زیرا حکمت سنگسار اینست که مردم محصن و غیره را از این عمل فاحشه بیشتر بترساند تا دست از آن کار بکشند و یا نزدیک به آن شوند، و این حکم یک مسئله توقیفی است و کسی حق ندارد آنرا با عقوبتی دیگر عوض کند زیرا اگر جائز بود پیامبر صلی الله علیه و سلم آنرا انجام میداد و آنرا برای امتش بیان میکرد .

اما متاسفانه در این زمان کسانی پیدا میشوند که خود را "قرآنیین" یعنی "اهل قرآن" یا"فکر نوین"میدانند و میگویند که فقط قرآن کافی هست و نیازی به سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم نسیت و از آنجاییکه آیه رجم در قرآن نیست پس رجم صحت و حقیقت ندارد، ولی همانطور که مشخص شد آیه رجم در قرآن بوده ولی قراءتش نسخ شده است در حالیکه حکمش هنوز باقی مانده است، و در واقع این اشخاص نمیدانند یا اینکه نمیخواهند بفهمند که رد کردن سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم مانند رد کردن بر قرآن میباشد و در حقیقت ظاهر شدن این اشخاص دلیل بر معجزه پیامبر صلی الله علیه و سلم میباشد، زیرا أحمد و أبو داود و حاکم بإسناد صحیح از "مقدام بن معدی کرب" روایت کرده اند که پیامبر صلی الله

علیه و سلم فرمودند: " ألا إنی أوتیت الکتاب ومثله معه ألا یوشک رجل شبعان علی اریکته یقول: علیکم بهذا القرآن فما وجدتم فیه من حلال فأحلوه وما وجدتم فیه من حرام فحرموه" ، یعنی: "بدرستیکه به من قرآن و چیزی مانند آن (یعنی سنت) عطا شده است، آگاه باشید که نزدیک هست مردی (با شکمی) سیر (از خوراک) بر تخت سلطنتش نشسته و میگوید: "(فقط) آنچه که در کتاب خداوند هست را چنگ بزنید، و آنچه که در آن حلال بود را بگیرید و آنچه که در آن حرام بود را ترک کنید (یعنی نیازی به سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم نیست).

سنگسار دراسلام رحمت است.

کسیکه از اسلام اندکی بوی برده باشد میداند که اسلام برای بشریت امنیت است ، کسیکه میگوید: نه!! سنگسار جز قتل دیگری چیزی نیست من میگویم یگبار به این آیه{ حَیَاةٌ یَا أُولِي الأَلْبَابِ} دقت کنید مشکل حل است.

در افغانستان روزانه بی حد واندازه زنا میشود ، شاروال کابل وهرات ومزار ودیگر ولایات از اطفال سقط شده در جنگلی ها شکایت دارند ، همینطور خانه خانه های امن ، بالاخره .... میدانید چرا ؟؟ چرا چنین مشکلات در

جامعه یکه قبلا بود در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم وصحابه وتابعین وتبع تابعین!! نه خانه امنی بود ونه هم زندانی؟؟؟

نتیجه میگریم: اگر در جامعه ی سنگسار باشد ، دیگران پند گرفته وهیچ کسی به زنا تمائل نمیکند.

ترس سیدنا عمر رضی اللّه عنه از چنین روزی

سبحان الله ، عمر رضی الله عنه پیش بینی کرده بود که افرادی (متأسفانه) می آیند ومیگویند سنگسار دراسلام نیست ، بیایید خود ترس عمر رضی الله عنه را از واقع شدن چنین روزی که عده ی از جهال ودموکرات وکاسه لیس استعمار بگویند سنگسار نیست بخوانیم:«از عمر بن الخطاب نقل شده است که گفت: "بدرستیکه الله پیامبر صلی الله علیه و سلم را به حق برگزیده است، و کتاب (قرآن) را بر او نازل کرد، و از چیزهایی که بر او نازل کرد آیه رجم (سنگسار) بود، پس ما آنرا خواندیم و فهمیدیم و درک کردیم و پیامبر صلی الله علیه و سلم آنرا انجام داد و ما نیز بعد از او انجام دادیم، و من میترسم پس از مدت زمانی کسی بگوید: قسم به الله که آیة رجم را در قرآن نمیبینیم، و سپس با ترک کردن این فریضه گمراه میشوند، و رجم در کتاب الله واجب است بر محصن (کسی

که ازدواج و جماع کرده باشد) زن و مرد، اگر دلیل اثبات شود، و یا زن حامله شود، و یا کسی اعتراف کند". صحیح بخاری شماره (٦٨٣٠).

شبهه ! مسلمانان میگویند اللّه ما مهربان است ، پس چرا سنگسار را حکم نموده است؟ پس اللّه (العیاذباللّه) ظالم بر مخلوقات است نه مهربان

برای پاسخ به این شبهه لازمست به جنبه های مجازاتی اسلام نظر انداخته شود :

سیاست مجازات اسلام دارای دو نوع درمان برای دو مرحله ویژه از وضعیت جامعه است :

الف: پیش بینی مجازات‌های خفیف با شرایط اجرای آسان‌تر :

جرائمی که حاکی از وخامت شدید اوضاع اجتماعی نبوده و در شرایط عادی جامعه رخ میدهد، در این دسته قرار میگیرد .

ب: پیش بینی مجازات‌های شدید :

اعمال این مجازات‌ها منوط به شرایط و قیدهای فراوان است، به نحوی که گاه به ندرت فراهم میشود. این نوع مجازات ها از نوع درمان های سخت است که تنها در شرایط خاص به کار گرفته می شوند .

این نوع درمان در جائی تجویز میشود که بزهکاری در آن به وضع حادّ و بغرنجی رسیده، پرده‌های عفت دریده شده و ارتکاب جرائم در ملأ عام قبحی ندارد .

عمل قبیح زنا موجب افشای فحشا و بی بندباری در کل جامعه می شود و موجب شیوع خیانت زوجین نسبت به هم گشته و همین امر مقدمات فروپاشی خانواده و به تبع آن جامعه را فراهم می سازد، نوامیس مسلمانان را تهدید می کند و آسیب بزرگی به حیثیت و شخصیت اجتماع وارد می سازد. بنابراین انجام گناه زنا خاص به دو طرف زنا کننده نیست و حقوق اجتماع نیز در اثر این گناه پایمال شده است و لذا حضور مردم در مجازات این گناه نیز لازم می شود.

هرچند که حد زنا بر دو نفری که ازدواج ناکرده هستند، زدن یکصد تازیانه است و این تخفیف مجازات نسبت به حدود افراد ازدواج کرده به این سبب است که مفاسدی که در زنای دو شخص ازدواج نکرده وجود دارد به مراتب

پایین تر از مفاسدی است که دو شخص متاهل یا ازدواج کرده به بار می آورند، دو شخصی که با وجود ازدواج باز از طریق غیر مشروع به فکر تامین غرایض خود هستند مستحق مجازات شدیدتری هستند تا بدین وسیله باب مفاسد دیگر بسته شود، هرچند که اثبات حکم سنگسار بر کسی نیاز به شهادت چهار نفر عاقل و عادل دارد، و معمولا این اتفاق نظر بر زنای کسی خیلی به ندرت روی می دهد، در چه جامعه ای زنا واقع میشود، در حالی که چهار نفر مرد عادل شاهد وقوع آن باشند؟

اگر جامعه ای یافت شد که چهار نفر بر زنای کسانی شهادت دادند، پس براستی که چنین جامعه‌ای دچار بیماری چنان شدیدی شده که مداوای آن از راه‌های عادی ممکن نیست و نیاز به شوک دارد .

در جامعه‌ای که خون بی گناهی را به ناحق بر زمین میریزند، کدام اهرم قوی میتواند از وقوع مجدد این بیماری خطرناک جلوگیری کند؟

گرفتن اموال مجرم، سلب آزادی او، اصلاح و در مان مجرم، یا سازگار کردن او با جامعه، همه این امور در جای خود لازم و مفید هستند، اما برای حفظ امنیت و حیات جامعه کافی نیست .

اسلام، سلب زندگی مجرم را هدف قرار نداده است. از این رو مثلا برای اجرای حد سرقت، شرایط فراوانی گذاشته که جمع شدن همه آن‌ها بسیار بعید است. همین طور در زنا، لواط و جرایم عفافی، شرایطی را بیان میکند که مشخص میکند هدف اسلام بیش‌تر جلوگیری از اشاعه فحشا و علنی شدن بزهکاری در جامعه است تا اجرای مجازات. حد سنگسارنیز از این نوع مجازات می باشد .

بنابر این شاید برخی از این مجازات ها مانند سنگسار، سنگین به نظر برسند ولی اسلام راه های اثبات آن را چنان محدود کرده است که عملا بسیار به ندرت اتفاق می افتد. در عین این که وحشت از آن به عنوان یک عامل بازدارنده قوی و موثر روی افراد منحرف اثر خود را خواهد گذاشت .

توجه به این نکته لازم است که حد سنگسار در جائی است که به صورت علنی و آشکار اتفاق افتد ، به گونه ای که چهار نفر با چشمان خود به شکل روشن و آشکار آن را دیده باشند .

در مورد اصل ثبوت زنا، بر اساس آیه ۱۵ سوره نساء ، شهادت چهار شاهد عادل شرط شده است .

از سوی دیگر برای شهادت شهود، شرایطی تعیین شده است از قبیل دیدن با چشم و تعیین چگونگی آن و عدم قناعت به قرائن و هماهنگی شهادت شهود و مانند آن، که اثبات جرم را سخت تر می کند .

روشن است که با این شرایط تنها افراد بی باک و بی پروا که هیچ قید و بندی را نمی پذیرند، مجرم شناخته می شوند و بدیهی است که باید قانون با این چنین اشخاصی برخورد سخت و نهائی داشته و به شدیدترین مجازات گرفتار شوند تا عبرت دیگران گردند و جامعه سالم بماند .

از نکات پیش معلوم می شود که پس از اثبات جرم، به هر طریقی که شده ، باید مجازات اجراء شود و در هنگام اجرای مجازات که مربوط به اجتماع می شود ، نباید عاطفه، محبت و احساسات جایگزین عقل و سلامت جامعه شود، بلکه تا آن جا که پای مجازات الهی در میان است و به مصلحت عامه بشریت است باید حکم اجراء شود، چنان که خداوند متعال در حکم زنای غیرمحصنه می فرماید :

»{الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ}« سوره نور آیه ۲ .

»هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و نباید رافت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید، و باید گروهی از مومنان مجازاتشان را مشاهده کنند .

بنابراین اجرای حکم سنگسار با عدالت الهی منافاتی ندارد زیرا هم چنان که گفتیم این نوع مجازات ها بیشتر نقش عوامل باز دارنده را دارند تا این نوع جرائم شیوع پیدا نکند ودر عمل هم شارع مقدس در حد امکان از اجرای چنین مجازاتی خودداری می کند، چون معمولا شرایط تحقق آن به وجود نمی آید مگر این که جامعه به وضع حادی رسیده باشد که در این صورت چاره ای جز انجام حدود و مجازات های اسلامی نیست. مانند بریدن دست یا پای عفونی یا شیمی درمانی سخت برای مریضی که راههای سبک تر را طی کرده ، اما نتیجه ای نداده است . روشن است که بریدن یک عضو از بدن اگرچه بسیار

سخت است، اما برای سلامت کل بدن و عدم سرایت عفونت به بخش های دیگر بدن لازم و ضروری است.

بله عزیزم: فرق دین شما با دین ما ایسنت: دین شما یک نفر را دوست دارد ، اما دین ما تمام مخلوقات را دوست دارد.

عقل را تقدیم بر نقل نکن!! زیرا هلاکت به دنبالش است

دیده میشود کسانیکه سنگسار را رد می نمایند جز دلیل از عقل واهی وبی خرد خویش دیگر دلیل قانع بخش ندارند ، پس عزیزم ! عقل را بر نقل ترجیح نده!

»شیخ الاسلام ابن تیمیه میگوید:پسر نوح گفت: به زودی به کوهی پناه میبرم ، که من را از سیل مصون بدارد[این عقل است].

سیدنا نوح فرمودند: امروز هیچ محافظتی در برابر دستور الله متعال وجود ندارد ، مگر اینکه الله بخواهد ، به کسی رحم کند[این وحی است].

وموج سیل ، درمیان آن دوفاصله انداخت ، بدین سبب پسر نوح ازکسانی بود که غرق گردید.[این نتیجه است]

» پس هرکس عقل خود را در برابر نصوص کتاب وسنت صحیح مقدم بداند ، به تعبیر دین در تاریکی های ارزو وبدعت غرق میگردد... وهرکس به وسیله ، عقل با شریعت معارضه نماید ، ایمان در قلبش استقرار نمی یابد(درء تعارض العقل والنقل (١/١٧٨).

شبهه ! میگویند حکم الله ﷻ را قبول داریم ولی سنگسار مسئله مشکلی است ، باید دیگر عذاب وحکم دیگری جای گزین سنگسار شود

اسلام برنامه و قانون الله تعالی است، و الله تعالی خود را چنین وصف می نماید :

»قَالُواْ سُبْحَانَكَ لاَ عِلْمَ لَنَا إِلاَّ مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ»(بقره ٣٢)

یعنی: فرشتگان عرض کردند: «منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده‌ای، نمی‌دانیم؛ تو دانا و حکیمی.»

»شَهِدَ اللّهُ أَنَّهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ وَالْمَلاَئِكَةُ وَأُوْلُواْ الْعِلْمِ قَآئِمَاً بِالْقِسْطِ لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»(آل عمران ١٨)

یعنـی: خداونـد، گـواهی مـی‌دهـد کـه معبـودی جـز او نیسـت؛ و ملائکـه و صاحبان دانش، (هر کدام به گونه‌ای بر این مطلب،) گواهی می‌دهند؛ در حالی که (خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد؛ معبودی جز او نیست، که هم توانا و هم حکیم است .

بنـابراین ایـن آیـین از جانـب الله حکـیم اسـت و در قـوانین آن سراسـر حکمـت نهفته است و نیز الله تعالی هنگامیکه آخرین پیامبر خود را مبعوث نمود و اسلام را بعنوان آخرین دین قرار داد، آینده دنیا و انسانها را نیز می دانست و الله تعالی عالم بود به اینکه در آینده نیز این دین وی با آن احکامش مناسب انسانهاست و لذا تا روز قیامت تغییری بر آن ایجاد نخواهد شد :

»يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ»(بقره ٢٥٥)

یعنی: آنچه را در پیش روی(آینده) آنها [= بندگان] و پشت سرشان (گذشته شان)است می‌داند؛

بنابراین اگر کسی ادعا نماید که یکی از قوانین اسلا مناسب زمان حال نیست، به نوعی منکر این مسئله شده است که الله تعالی اوضاع و احوال آدمیان را در زمان ما نمی دانست و خبر نداشت وگرنه فلان قانون را برای الان وضع نمی کرد

یا اینکه باید پذیرفت که اسلام نمی بایست آخرین دین می بود بلکه در زمان حال باید دینی دیگر از سوی الله تعالی می آمد تا قوانین مناسب زمان را وضع کند !!

و لذا حکم به جهل الله تعالی می شود(والعیاذبالله)

پس هرکسی که چنین فکر نماید که می تواند یا باید یکی از قوانین اسلام در زمان حال بگونه ای تغییر یابد تا با زمانه سازگار باشد، برای الله تعالی صفت جهل اثبات نموده و مرتکب کفر شده و اسلام خارج می گردد .

الله تعالی آیین اسلام را با تمامی برنامه هایش تا روز قیامت بعنوان تنها دین برگزیده است :

»الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الإِسْلاَمَ دِينًا»(مائده ۳)

یعنی: امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.

بنابراین هرکسی که بجز قوانین الله تعالی به قانون دیگری چنگ زند کافر است :

»وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللّهُ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»(مائده ٤٤)

یعنی: و آنها که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی‌کنند، کافرند .

پس یک مومن موحد باید به دستورات اسلام گردن نهد و از کفار و هیاهوی آنها نترسد یا احساس سرخوردگی نکند، چرا که تمدن اسلام است که دنیا را به امروز رسانیده است و دنیای غرب با الگوبرداری از تمدن اسلام و دانشمندان اسلامی راه پیشرفت را کشف نمودند .

و قانون سنگسار یکی از قوانین است که بدون شک در آن حکمتهای زیادی نهفته است.

چرا پیامبر اسلام در مدت بسیار کم توانست چنان حکومتی بسازد که حتی کافر بیاید در سرزمین اسلامی زندگی کند؟

آیا گاهی فکر کردی چرا پیامبر اسلام بزرگترین جنگ اوث وخزرج یا به مفکوره غربی ها بگوییم جنگ جهانی آنها را ختم داد ، چرا در مدت بسیار کم توانست چنان نظامی را حاکم کند که در جزیره عرب سالهای متمادی زنا ودوزدی نشود ، اگر دوزدی وزنا هم شود پیامبر قبول نکند مثل یکه از ماعز را قبول نکرد وزنی نیز زنا کرد وگفت من زنا کردم ولی من را مثل ماعز دوباره روان

نکنی که تو زنا نکردی؟؟ سبحان الله ، گاهی فکر کردی چرا در زمان عمر رضی الله عنه رومی ها جزیه می پرداختند ومیگفتند ما را بگزار تا در سرزمین شما زندگی کنیم؟؟؟ جواب اش ساده است ، صدر اسلام ومسلمانان واقعی معنی ومفهوم آیه{ حَيَاةٌ يَا أُولِي الأَلْبَابِ} دانسته بودند ، پس اگر میخواهید نظام عادل ، دارائی امنیت کامل داشته باشید ، حدود الله را تطبیق کنید.

آیا مسلمانان به سنگسار که تا حدی خشن به نظر میرسندکه حتی به یک زنا (زن شوهر دار ومرد زن دار)را زیر سنگ کنند؟؟

سنگسار حکمی است از سوی الله تعالی برای مجازات زن و مردی که هر دو ازدواج کرده هستند ولی مرتکب زنا می شوند، و ما مسلمانان بدون توجه و اهمیت به سرزنش یا لومه یا انتقادهای دیگران و ناخشنودی آنها از اجرای این حکم، به آن حکم ایمان آورده و آنرا حکم باری تعالی دانسته و از اجرای آن نه احساس شرمندگی داریم و نه هراسی به دل راه می دهیم و ایمان راسخ داریم که احکام شریعت همگی از روی حکمت و درایت وضع شده اند، زیرا همگی از جانب حکیم مطلق یعنی خالق انسانها و خالق عقلشان وضع شده است .

و هر کس مسلمان باشد، چاره ای ندارد مگر آنکه به این حکم شریعت راضی و گردن نهد چنانکه الله تعالی در قرآن می فرماید :

»فَلاَ وَرَبِّكَ لاَ يُؤْمِنُونَ حَتَّىَ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لاَ يَجِدُواْ فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُواْ تَسْلِيمًا» (نساء ٦٥)

یعنی: به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملا تسلیم باشند .

علامه عبدالرحمن سعدی در تفسیر این آیه می نویسد: " الله به ذات بزرگوارش سوگند یاد نمود که آنها مومن به حساب نمی آیند تا پیامبر خدا را در همه اختلافات خود داور و حاکم قرار ندهند.. اما فقط داور قرار دادن کافی نیست تا وقتی که ملالت و دل تنگی از قضاوت پیامبر از دلهایشان دور نشود. و نباید فقط به ظاهر و از روی چشم پوشی به داوری پیامبر راضی باشند، بلکه باید قلبا از آن راضی باشند، و با اطمینان خاطر و در ظاهر و باطن تسلیم داوری پیامبر گردند. پس داور قرار دادن در مقام اسلام، و منتفی بودن رنج و کدورت قلبی در مقام ایمان، و تسلیم شدن در مقام احسان قرار دارد. پس

هرکس این مراحل را تکمیل نماید همه مراحل دین را تکمیل کرده است، و هرکس پیامبر را به داور قرار ندهد وبه حکم وی پایبند نباشد کافر است. و هرکس پیامبر را داور قرار ندهد اما به داوری او پایبند و معتقد باشد، حکم او چون دیگر گناهکاران است ".

لذا شایسته ی یک مسلمان اینست که قبل از هرچیز التزام کامل به شرع الله تعالی داشته باشد، حال چه حکمت آنها را بداند یا خیر، زیرا برای یک مسلمان، بزرگترین دلیل برای انجام هر عبادتی، اولا؛ دستور و امر پروردگارش و پیامبر صلی الله علیه وسلم است، لذا بدون چون و چرا مادامیکه امر خدا و رسولش را دید و شنید، آنرا اطاعت و انجام می دهد؛ چنانکه قرآن می فرماید :

» إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُوْلَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»(نور ٥١)

یعنی: سخن مؤمنان، هنگامی که بسوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم!» و اینها همان رستگاران واقعی هستند .

اگر خصوصیات و ویژگیهای مسلمان اینگونه نباشد که در برابر اوامر الله گردن کجی و انقیاد نداشته باشد، در آنصورت یا ایمان در قلبش رسوخ نکرده و یا نشانه ای از ضعف ایمان است که باید اصلاح و تقویت گردد.

از جهالت بعضی ها ، بالای دیگر خوبی های اسلام خــط بطــلان کشیده ومیگویند اسلام ما را امر به زیر سنگ کردن کرده است؟

{ اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى}

واقعاً من به مفکوره فاسد چنین افراد در تعجبم! اسلام یکه سراسر دارائی خوبی ها بوده ، اسلام یکه عزت وسربلندی برای بشریت نهاد ، اسلام یکه از زنده به گور کردن منع نمود ، اسلام یکه حقوق طفل ، جوان ، ریش سفید ، حقوق زن را برای بار اول درجهان بشریت تعلیم داد ، عده ی از جهال آمده ومیگویند اسلام فقط زیر سنگ کردن افراد است! ، اسلام هر امر اش پر از حکمت ها است ، اسلام میگوید در یک سرزمین زنا کار که سنگسارشود سالهای متمادی دیگر کسی از ترس زنا نمی کند ، بلکه جامعه ی پر از امن وامنیت میداشته باشیم ، طور نمونه زمانیکه عمر رضی الله عنه حدود را تطبیق میکرد ، زنان میتوانستند با یک شتر از صنعا تا حضرموت تنها وشبها سفر کند هیچ مردی

طرف او از ترس سنگسار چشم بد نمی دید ، اما حالا که حدود نیست ، دختران پوهنتون کابل از خانه تا پوهنتون واز پوهنتون تا خانه پند رفیق ولنده دارند ، وهمینطور اذیت وازار جنسی که رسانه ها همیشه از آن شکایت میکنند.

از علماء هیئت دائمی افتاء سوال شد : آیا جایز است رجم زناکار محصن (ازدواج کرده) را بجای سنگ بوسیله دیگری مثل شمشیر کُشت یا در آتش انداخت؟.

اجرای حدود(سنگسار) سبب بخشش گناهان شخص میشود

اجرای حدود کفاره گناهان میشوند، بدلیل روایت عباده بن صامت رضی الله عنه که گفت در مجلسی با پیامبر صلی الله علیه و سلم بودیم و فرمود: "بایعونی علی أن لاتشرکوا بالله شیئا ولاتسرقوا ولاتزنوا" «با من بیعت کنید بر اینکه هیچ کسی و هیچ چیزی را شریک خدا قرار ندهید و سرقت و زنا نکنید» سپس تمام آیه (مربوط به بیعت زنان را) تلاوت کرد و فرمود: "فمن وفی منکم فأجره علی الله، و من أصاب من ذلک شئا فعوقب به فهو کفارته، و من أصاب من ذلک شیئا فستره الله علیه فهو إلی الله، إن شاء غفرله و إن شاء عاقبه" (متفق علیه) «هر کس به این بیعت وفا کرد پاداشش نزد الله است و هر کس مرتکب یکی

از این گناهان شد و کیفر آن را دید، (اجرای حد) کفاره آن است، و هر کس گناهی انجام داد و خداوند گناه اورا پوشاند، حکم آن به خدا برمی‌گردد اگر بخواهد او را عفو کند و اگر بخواهد عذابش دهد» .

بنابراین طبق حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم کسی که مرتکب گناه میشود سه حالت دارد، ممکن است جریمه اش آشکار کردد و حد بر او جاری شود که سبب آمرزیده شدن گناهش میشود، و ممکن است ستر شود و بدون عذاب آمرزیده شود، و ممکن است ستر شود ولی دچار عذاب و مشکلات گردد، که این خود نیز سبب آمرزیدن گناهان میشود .

و در مورد آمرزیده شدن گکناهان توسط مصائب و مشکلات، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند :«مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلاَ وَصَبٍ وَلاَ هَمٍّ وَلاَ حَزَن وَلاَ أَذًى وَلاَ غم، حتَّى الشَّوْكَةُ يُشَاكُها إِلاَّ كفَّر اللَّه بهَا مِنْ خطَايَاه»(متفقٌ عليه)

"هیچ خستگی و مرضی، غم و اندوه و اذیت و شکنجه به مسلمان نمی رسد حتی خاری که بپایش می خلد، مگر اینکه خداوند جل جلاله در برابر آن گناهانش را می آمرزد ."

و دلیل آمرزیده شدن گناهان توسط اجرای حد(سنگسار)، رجم شدن زنی بنام غامدیة است که محصن بود و زنا کردد و به گناهش اعتراف کرد، لذا بر او حد رجم اجرا شد، و در حین رجم یکی از اصحاب او را ناسزا گفت، ولی پیامبر صلی الله علیه و سلم در پاسخ فرمود: " لَقَدْ تَابَتْ تَوْبَةً لَوْ تَابَهَا صَاحِبُ مَكْسٍ لَغُفِرَ لَهُ " (روایت مسلم ١٦٩٥)، یعنی: "او توبه ای کرد که اگر صاحب مُكْس (مالیات) نیز چنین توبه ای کرده بود گناهانش آمرزیده میشد"، پس این روایت نشاندهنده اینست که اجرای حد گناهان را میآمرزد زیرا عقوبتش را در دنیا دیده است .

ولی منظور از آمرزیده شدن گناهان بدون توبه، هر گناهی (چه صغیره و چه کبیره) بغیر از شرک است، زیرا الله متعال میفرماید :{إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَاءُ } ﴿النساء: ٤٨﴾

بدرستیکه الله نمی‌بخشاید که به او شرک ورزیده شود و غیرآن را بر هرکه خواهد می‌آمرزد. [البته بخشش گناهان درصورتی است که انسان به شرک مبتلا نشده باشد.]

بدین معنا که برای کسی که بر شرک مرده و قبل از مرگ از آن توبه نکرده است، احتمال آمرزش‌شرک وی وجود ندارد، ولی غیر اهل شرک از گنهکاران مسلمین در مشیت آمرزش حق تعالی داخلند و این امر موکول به اراده وی است، پس حق تعالی برای هرکس از موحدان که بخواهد می‌آمرزد، ولو گناهان کبیره یا صغیره مرتکب گردد و از گناه خویش توبه هم نکند، و این مذهب اهل سنت و جماعت است، و هرکه را هم که بخواهد عذاب می‌دهد و سپس میبخشد.

مخالفین سنگسار در طول تاریخ اسلام چه کسی بوده وحکم آنها چیست؟

» یکی از کسانیکه مخالف سنسگار است (خوارج هستند) درکتاب "البحر" از خوارج نقل شده‌که رجم واجب نیست و ابن العربی المالکی نیز از خوارج چنین حکایت‌کرده است.

» ونیز یکی از کسانیکه مخالف سنگسار است (معتزلی ها) هستند وامام ابن العربی از اشخاص معتزله مانند “نظام” و یارانش نیز حکایت‌کرده است.

» افرادیکه غرب خواه هستند ، ومفکوره پلید غربی را دارند ، کسانیکه از اسلام فقط کشتن را دانسته اند واز رحمت آن بی خبر اند.

وباید گفت: حکم زنای افراد مجرد یکصد تازیانه است، ولی حکم زنای شخص متاهل سنگسار است و هرکس منکر آن شود از دایره ی اسلام خارج و مرتد می شود. و اگر توبه نکند بعنوان حد ارتداد کشته می شود.

مخالفین سنگسار دلیل قانع بخش ندارند؟ و آنان بر این ادعای خویش هیچ سندی ندارند جز اینکه می‌گویند درقرآن نیست و این باطل است. زیرا حکم رجم با سنت متواترکه بر آن اجماع است ثابت شده است و برابر روایت عمر بن خطاب که جماعت محدثین بزرگ از او روایت کرده‌اند برابر نص قرآن نیز ثابت شده است. عمرگفت: آیة رجم ازجمله چیزهائی است که برپیامبری نازل شده و ما آن را خوانده وحفظ کرده‌ایم و پیامبر صلی الله علیه و سلم حکم رجم را اجراکرده و ما نیز به پیروی از او اجرا کرده‌ایم. نسخ تلاوت و قرائت آیه‌ای مستلزم نسخ حکم آن نیست. همانگونه که ابوداود آن را از حدیث ابن عباس بیرون آورده است. امام احمد و طبرانی درکتاب "الکبیر" از حدیث امامه به سهل و او از خاله‌اش "عجماء" نقل کرده است که " الشیخ والشیخة

إذا زنيا فارجموهما ألبتة بما قضيا من اللذة [هرگاه شيخ وشيخه = زن و مرد پير و ازدواج كرده مرتكب عمل زنا شوند بسبب لذتی كه ديده‌اند آنان را سنگسار كنيد].

حد با يكی ازدو چيزبه اثبات می‌رسد: اقرار و اعتراف شخص به ارتكاب زنا يا به اقرار و گواهی چهار نفر شاهد.

بعضی از احكام ومسائل سنگسار

تطبيق حدود(اجرای سنگسار) كار كيست؟

كار شهروندان ، يا كار حاكم !

قبلاً هم گفتيم:حكم زنای افراد مجرد يكصد تازيانه است، ولی حكم زنای شخص متاهل سنگسار است و هركس منكر آن شود از دايره ی اسلام خارج و مرتد می شود. و اگر توبه نكند بعنوان حد ارتداد كشته می شود.

ولی بايد به دو نكته دقت داشته باشيد:

اول اينكه حكم را نبايد شهروندان جامعه اسلامی خودسرانه اجرا كنند بلكه اين وظيفه ی حكومت اسلامی و حاكم اسلام است تا بر وی حكم اجرا كند و

لذا اگر حاکم اسلامی نباشد حکم نیز تا وجود حکومت اسلامی قابل اجرا نخواهد بود.

بعبارتی اجرای حدود تنها بر عهده امام و جانشین او است؛ چون پیامبر صلی الله علیه وسلم و خلفای بعداز او در زمان حیاتشان شخصاً حدود را اجرا می‌کردند و پیامبر صلی الله علیه وسلم گاهی در اجرای حدود برای خود جانشین تعیین می‌کرد و می‌گفت : (واغد یا أنیس إلی امرأة هذا فإن اعترفت فارجمها) «ای انیس فردا نزد زن این مرد برو، اگر اعتراف کرد او را رجم کن».

دوم اینکه شخصی که مرتکب زنا می شود، مستحب است که عیب خودش را بپوشاند و خود توبه کند؛ به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم : (کل أمتی معافی إلا المجاهرین، وإن من المجاهرة أن یعمل الرجل باللیل عملا، ثم یصبح و قد ستره الله علیه، فیقول : یا فلان عملت البارحة کذا و کذا و قد بات یستره ربه و یصبح یکشف سترالله علیه) «تمام امتم موردعفو قرار می‌گیرند مگر کسانی که (گناهی انجام می‌دهند و آنرا) آشکار می‌کنند، و از جمله آشکار کردن گناه این است که کسی، شب گناهی را انجام دهد و تا صبح الله گناهش را پوشیده دارد اما او در روز بگوید : فلانی : دیشب فلان گناه و

فـلان گنـاه را انجـام داده‌ام، در حـالی کـه پروردگـارش آن را پوشـانه، ولـی او پوششـی را کـه الله بـر عیـب او قـرار داده بـر مـی‌دارد (گنـاهش را آشـکار می‌کند)». متفق علیه

حد غیر محصن(ازدواج نکرده)

الله متعـال می‌فرمایـد{الزَّانِيَـةُ وَالزَّانِـى فَاجْلِـدُوا كُـلَّ وَاحِـدٍ مِنْهُمَـا مِائَـةَ جَلْـدَةٍ وَ لاَتَأْخُـذْكُمْ بِهِمَـا رَأَفَةٌ فِـى دِيـنِ اللَّهِ إِنْ كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَـوْمِ الآخِرِ وَلْيَشْـهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنْ الْمُؤْمِنِين } (نور : ۲)

»هر یک از زن و مرد زناکار (ازدواج نکرده) را صد تازیانه بزنید و در (اجرای قوانین) دین خدا رأفت نسبت بدیشان نداشته باشید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، و باید گروهی از مؤمنان بر اجرای حد بر ایشان حاضر باشند .«

و از زید بن خالد جهنی رضی الله عنهروایت است : (سمعت النبی صلی الله علیه وسلم یأمر فیمن زنی و لم یحصن جلدمائة و تغریب عام) «شنیدم پیامبر دستور داد فرد غیرمحصنی که مرتکب زنا شده بود را صد تازیانه بزنند و یکسال تبعید کنند».بخاری(۶۸۳۱) .

همچنین از عباده بن صامت رضی الله عنه روایت است : پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : (خذوا عنی عنی، قد جعل الله لهن سبیلا، البکر بالبکر جلد مائةو نفی سنة، و الثیب بالثیب، جلد مائة والرجم) «از من یاد بگیرید از من یاد بگیرید، خداوند چاره زنان زناکار را مشخص کرده است. غیرمحصن (ازدواج نکرده) صد تازیانه و یکسال تبعید، و محسن (ازدواج کرده) زناکار صد تازیانه و سنگسار کردن». مسلم(١٦٩٠).

تعریف محصن وغیر محصن

شخص زناکار ، یا محصن و یا غیر محصن است :

محصن : کسی است که قبلاً با ازدواجی صحیح عمل آمیزش را انجام داده باشد. المکلف:، کسی است که بالغ و عاقل باشد، پس بر کودک و دیوانه حد اجرا نمی‌شود به دلیل فرموده پیامبر –صلی الله علیه وسلم : (رفع القلم عن ثلاثة: عن المجنون حتی یفیق، و عن النائم حتی یستیقظ، وعن الصبی حتی یحتلم) «تکلیف از سه دسته برداشته شده است : از دیوانه تا هوشیار شود، از به خواب رفته تا بیدار شود و از بچه تا بالغ شود».ابوداود(٤٣٨٠)

اگر شخصی آزاد، محصن (ازدواج کرده) و مکلف و مختار مرتکب زنا شد، باید رجم شود تا بمیرد :

از جابر بن عبدالله انصاری روایت است : (أن رجلا من أسلم، أتى رسول الله صلى الله عليه وسلم فحدثه أنه قد زنى، فشهد على نفسه أربع شهادات، فأمر به رسول الله صلى الله عليه وسلم فرجم، و كان قد أحصن) «مردی از قبیله اسلم نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و به او گفت : زنا کرده‌ام، چهار بار اقرار کرد و گفت : زنا کرده‌ام، پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور داد تا رجم شود، آن مرد محصن (ازدواج کرده) بود».ترمذی (١٤٥٤)

کندن خندق و چاه برای کسی که رجم می‌شود

از علی روایت شده که او هنگامی که دستور داد تا "شراحه همدانیه" را رجم کنند او را بیرون آورد و حفره‌ای برایش کندند و او را داخل حفره قراردادند و مردم بدور او حلقه زدند و شروع کردند به سنگسار کردن او .[فقه السنه]

طریقه سنسگار زن ومرد

مستحب است که برای مرد تا ناف و برای زن تا پستان خندق و حفره‌ای کنده شود آنگاه به سنگسار انها اغاز شود .

و مستحب است که لباس زن را محکم بر وی ببندند بگونه‌ای که اگر برایش خندقی نکنده باشند بوقت تکان خوردن و اضطراب نشان دادن از او، کشف عورتی نشود. باتفاق علما زن بوقت رجم کردن باید نشسته باشد و جمهور علما برآن هستند که بوقت رجم مرد باید ایستاده باشد و مالک گوید مرد نیز باید نشسته باشد و دیگران گفته‌اند امام مختار است که کدام راه را انتخاب کند .

اندازه ی سنگها چقدر باشد؟

علامه ابن عثیمین رحمه الله در این مورد می گوید: «سنگها نباید آنقدر بزرگ باشند که مجرم را فوراً بکشد، و نیز نباید کوچک باشند که درد و اذیتی بر بدن مجرم وارد نکند، بلکه سنگ باید هم اندازه ی تخم مرغ و یا کوچکتر باشد».

شرح الممتع؛ جلد١٤، ص٢٢٨ .

امام ابوحنیفه گوید: هرگاه زنای محصن باگواه ثابت شده باشد واجب است پیش از همه شاهد سنگ انداختن به سوی زانی را آغازکند و امام او را بر این‌کار مجبور می‌کند تا از سهل‌انگاری منع شود و نسبت به ثبوت آن تشویق بعمل آید. و هرگاه زنای محصن از طریق اقرار خود اشخاص ثابت شود، واجب است امام یا نائب او سنگ انداختن را آغاز کند .

ابوحنیفه و امام شافعی می‌گویند بغیر از آلت تناسلی و صورت بهمه اندامهای شخص حد زده می‌شود وابوحنیفه سررا نیز مستثنی کرده است مالک گویند: مرد را برای هر حدی باید برهنه ساخت بغیر از حد قذف که برهنه ساختن او لازم نیست. مرد را باید نشسته حد زد نه ایستاده. بدایه المجتهد ۲/ ٤١٠ .

امام نووی گفته است: بگفته یاران ما اگربا شلاق حد را بزنند بایستی متوسط بین شاخه نی وعصا باشد وچنانچه با شاخه درخت بزنند باید سبک و بین خشک و ترباشد و ضربت بایستی متوسط باشد و ضارب دست را بالاتر از سرخود نبرد ودست را پایین هم نیندازد بلکه بازوی خود را بطور معتدل بالا ببرد .

زناکارغیر محصن تا پایان شدت‌گرما وسرما مهلت داده می‌شود و همچنین اگر بیمار باشد و امید شفای او باشد نیز مهلت داده می‌شود. اگر بیماری او بگونه‌ای باشدکه انتظار بهبودی او نمی‌رود یاران شافعی‌گفته‌اند: او را باید با شاخه خرما حد زد اگر توان تحمل آن را داشته باشد، ابوداود و غیر او از یکی از انصار روایت کرده‌اندکه مردی از انصار از شدت بیماری شکوه می نمود و بگونه‌ای شده برد که تنها استخوان و پوست ازاو مانده بود، جاریه‌ای مربوط

بیکی از انصار پیش او رفت و با دیدن او ابراز خوشحالی کرد و سرانجام با او مرتکب زنا شده بود. وقتی که مردمان قومش بعیادت او رفتند او این ماجری را برایشان بازگوکرد وگفت: برایم از حضور پیامبر صلی الله علیه و سلم استفتاء کنید که من باکنیزی که پیش من آمده بود مرتکب زنا شده‌ام. آنان این ماجری را برای پیامبر صلی الله علیه و سلم ذکرکردند وگفتند: ماکسی را سراغ نداریم که مثل او بیمار و ناتوان باشد. اگر او را پیش تو می‌آوردیم استخوانش باز می‌شد و او تنها پوست و استخوان است .

پیامبر صلی الله علیه و سلم دستور دادکه یکصد شاخه نازک و باریک شمراخ را با هم بسته و با یک ضربه به وی بزنند بجای یکصد ضربه جداگانه .

شمراخ: یعنی شاخک باریک و فرعی که بر روی شاخه بزرگ سبز می‌شود .

در بدایه المجتهد آمده است: جمهور فقهاء بر آن هستندکه نباید درگرمای شدید و در سرما و همچنین بر کسی که بیمار است حد اجرا گردد. گروهی گفته‌اند از جمله احمد و اسحاق، حد در حالات فوق نیز باید اجرا گردد .

مروزی گفته است: بعلت شدت گرما یا سرما یا بیماری اجرای حد زانی بتاخیر انداخته می‌شود خواه با قرار خود شخص ثابت شده باشد یا بوسیله گواهان .

اسفرائنی گفته است تنها بعلت بیماری حد بتاخیر انداخته می‌شود و درگرما و سرما فورا یا بعد ازثبوت بوسیله گواهان، حکم رجم اجرا می‌شود امّا بعد از ثبوت به اقرار خود شخص یا عکس آن حکم اجرا نمی‌شود. زنی که مرتکب زنا شده و آبستن باشد حکم رجم درباره اواجرا نمی‌شود تا اینکه بچه را بزاید و بوی شیردهد اگرکسی نباشدکه بچه را شیردهد، آنگاه پس ازاتمام دوره شیرخوارگی بچه، حکم درباره او اجرا می گردد.

ثبوت حد با اقرار:

اقرار و اعتراف همانگونه که گفته‌اند "سید الادله" و بهترین دلیل است. و پیامبر صلی الله علیه و سلم اعتراف "ماعز" و "غامدیه" را پذیرفت و هیچ یکی از پیشوایان فقه دراین مطلب اختلاف ندارند اگرچه درباره تعداد دفعات اقراری که موجب ثبوت حد می شود اختلاف کرده‌اند :

شافعی ومالک و داود و طبری وابوثور گفته‌اند برای لزوم حد یک بار اعتراف و اقرار به زناکافی است. چون ابوهریره و زید بن خالد روایت کرده‌اندکه پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت:" اغد یا أنیس علی امرأة هذا، فإن اعترفت فارجمها

" آن زن اعتراف کرد و انیس او را رجم نمود و از تعداد دفعات اعتراف سختی نگفت .

حنفی‌ها می‌گویند: باید چهار بار متفرقه در چهار مجلس جداگانه اعتراف و اقرار کند و احمد و اسحاق نیز همین طور گفته‌اند ولی مجالس متفرقه را شرط ندانسته‌اند و مذهب اول راجح است .

پشیمان شدن از اقرار و اعتراف موجب سقوط حد است:

علمای شافعی و حنفی و احمدگفته‌اند: پشیمان شدن و برگشت از اقرار موجب سقوط حد است{امام مالک گوید اگر پشیمان شدن بعلت شبهه باشد پذیرفته می‌شود و اگر شبهه‌ای درکار نباشد روایت مشهور آنست که پذیرفته می‌شود و روایت دوم آنست پذیرفته نمی‌شود} چون احمد و ترمذی از ابوهریره روایت کرده‌اند: "ماعز وقتی دیدکه سنگ بشدت بسوی او پرتاب می‌شود و احساس الم و دردکرد فرارکرد تا این ازکنار مردی گذشت که استخوان فک شتر در دست داشت و او را با آن استخوان زد و مردم نیز شروع کردند به زدن او تا اینکه مرد، این واقعه را برای پیامبر صلی الله علیه و سلم بازگوکردند پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: " هلا ترکتموه!؟ [چرا او را بحال خود

نگذاشتید!؟]'' ترمذی آن را حدیث حسن دانسته است. و از جهات مختلف این روایت از ابوهریره نقل شده است. اه . ابوداود و نسائی از طریق جابر روایت کرده‌اندکه چیزی شبیه بدان‌که در ضمن آن آمده است‌که ''چون سنگ بر وی باریدن‌گرفت فریاد زد وگفت: ای قوم مرا پیش پیامبر صلی الله علیه و سلم برگردانید، براستی قوم من، مراگشتند و مرا فریب دادند و به من خبردادندکه پیامبر صلی الله علیه و سلم مرا نمی‌کشد. و ما از او دست برنداشتیم تا اینکه او راکشتیم. چون نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم برگشتیم و این ماجرا را برایش بازگوکردیم‌گفت: '' فهلا ترکتموه وجئتمونی به!!؟ [پس چرا او را رها نکردید و او را پیش من نیاوردید!!؟].

» وهمچنان شخص یکه سنگسار میشود باید ، اگر مرد بود وزن داشت سنگسار شود ،واگر زن بود وشوهر داشت سنگسار شود(البته چنین شریعتی زیبائی وبا وقاری نمی یابی که برای شوهر سابق چنین عزتی نصیب کند که چرا شوهر داری وچرا زن داری بازهم زنا میکنی؟).

شروط اقامه سنگسار بر شخص زانی

برای اقامه حد شرایط زیر شرط است :

١ -عقل ٢- بلوغ ٣-اختیار ٤-علم به تحریم .

بنابراین بر صغیر و غیربالغ و دیوانه وکسی که مجبور و مکره باشد حدی نیست چون حضرت عایشه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت:" رفع القلم عن ثلاث : عن النائم حتی یستیقظ وعن الصبی حتی یحتلم وعن المجنون حتی یعقل [از سه کس رفع تکلیف شده و مکلف نیستند: شخص بخواب رفته تا وقتی که بیدار می‌شود و کودک تا وقتی که بالغ گردد و دیوانه تا وقتی که عاقل گردد]". احمد و اصحاب سنن و حاکم آن را روایت کرده‌اند وگفته‌اند بنا به شرایط شیخین حدیث صحیح است و ترمذی آن را "حسن" دانسته است. اما شرط علم به تحریم بدینجهت است که او را بعلت ارتکاب حرام حد می‌زنند وکسی که علم به تحریم نداشته باشد به نظرخود حرامی را مرتکب نشده است و پیامبر صلی الله علیه و سلم پس از اینکه ماعز اعتراف به زنا کرد از او سوال کردکه آیا می‌دانی زنا چیست؟ – و حرام است؟ –و روایت شده که کنیز سیاهپوستی را نزد عمر آوردند و گفتند: او مرتکب زنا شده است. او تازیانه‌اش را تکان داد و گفت:" أی لکاع زنیت؟ فقالت: من غوش بدرهمین [ای پست مرتکب زنا شده‌ای؟گفت: آری با "غوش" در برابر مزد دو درهم چنین عملی را مرتکب شده‌ام].

عمر با علی و عثمان و عبدالرحمن بن عوف که در حضور او بودند مشورت کرد وگفت: رای شما چیست؟

علی گفت: بنظر من او را باید رجم کنی. عبدالرحمن گفت، رای من نیز چنین است که برادرت علی می گوید .

عثمان گفت: بنظر من او بدین کار اهمیت نمی‌دهد و آن را حرام نمی‌داند چون آن را آسان می گیرد و امر الله درباره حد برای کسی است که از حکم الله اطلاع داشته باشد و بنظرمی‌رسدکه این زن ازحکم حرمت آن اطلاع ندارد و عمرگفت: راست می گوئی -او را بحال خود وا گذاشت - .

حکم جنازه بالای شخص یکه سنگسار شده است

نماز جنازه بالای او درست است ورسول الله صلی الله علیه وسلم وصحابه بالای کسیکه سنگسار شده بود نماز جنازه خواند.

دلیل:« عن جابر بعد قوله : قال : نعم فأمر به فرجم بالمصلى فلما أذلقته الحجارة فر فأدرك فرجم حتى مات . فقال له النبي صلى الله عليه وسلم خيرا وصلى عليه » رواه البخاری.

برای خواهرعاطفه "طیب" میگویم: شما راچه به نوشــتن کتــاب؟ آنهم که حلال الله را حرام میدانید؟

خواهر عزیزم ببین پیامبر تورا به امور ذیل امر نموده است ، نه به کتاب نوشتن ، زیرا عقل شما زنان مثل عقل مردان نیز نیست که باز از کتاب خویش دفاع هم کرده بتوانید ، ببین خواهرمحترمه: پیامبر صلی الله علیه وسلم تورا به امور ذیل دعوت کرده است:« وعن أنس قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : " المرأة إذا صلت خمسها وصامت شهرها وأحصنت فرجها وأطاعت بعلها فلتدخل من أي أبواب الجنة شاءت " . رواه أبو نعيم في الحلية.»

یعنی: زنیکه نماز پنج وقت خویش را ادا نماید ، وروزه ماه رمضان را بگیرد ، واندام مخصوص خویش را نگه بدارد ، واطاعت شوهر اش را نماید ، داخل کرده میشود به جنت ، از هر دروازه اش که بخواهد.»

پس خواهر! رفته این امور خیریه را انجام بده! اگر میخواهی در جنت پروردگار روی.

برای خواهرعاطفه"طیب" میگویم: با چرندیات خــویش نــه نــام خویش را بد کن ونه نام اسلام ومسلمانان عزیز را

برای این خواهر میگویم: قبول کنیم در اسلام سنگسار نیست ، وآیات ودها حدیث صحیح را قبول نکنیم ، پس این وضعیت تو در کدام جای دین آمده است؟ مگر اسلام به حجاب امر نکرده؟ نکنه به فکرتو حجاب هم یعنی سنگباران[ببین خواهر گرامی! تو باید نمونه ی باشی برای دیگر زنان مسلمان ، برایت یک نمونه خواهر مسلمان دیگر را یاد میکنم شاید از آن پندی گیری(یکی از علما میگوید خواهرم فاطمه(که اوهم مثل تو یک زن است) در تمام عمر خویش سه بار از منزل خارج شد ١: روزیکه ازدواج نمود٢: روزیکه احرام حج را بست٣: وروزیکه وفات نمود)"تاریخ الاسلام" سبحان الله ، این هم مثل تو زن است ، اما زنی که به اسلام ومسلمانان نمونه ی خوبی است ، نه مثل تو که بخاطر انتشار تصویرت میخواهی توجه پسران را به خود جلب کنی ، که این خود یک نوع زنا میباشد]-الله تورا هدایت کند-.

خلاصه بحث

سنگسار در اسلام ؛ حکمی از احکام رب العزت میباشد ، همانطوریکه الله زکات ، روزه ، حج را فرض گردانیده است ، سنگسار را نیز فرض گردانیده ، در مورد سنگسار یک آیه که حکم اش تا قیامت پابرجابوده ، ودها حدیث وصدها اثر موجود میباشد ، سلف صالح(پیامبر ، صحابه ، تابعین) (خیرالقرون) هم سنگسار کرده اند وهم در سنگسار شاهد بودند ؛

وهرکس از سنگسار منکر شود ، او مرتد وکافر میشود.

ومن الله التوفیق

ارتباط بامؤلف:

فیسبوک:صفحه رسمی ابوشاکرمسلم

[کتب تألیف وترجمه شده توسط ابوشاکرمسلم حفظه اللّه]

فتاوای اهل حدیث ۱-۲ جلد.

رد برصدبدعت درجامعه.

اقوال اهل علم درکفر روافض.

زندگی نامه امام ابن تیمیه وخدمات او به اسلام.

۵۰ احادیث باطل.

احادیث باطل مشکوة المصابیح.

ابوحنیفه رح واحناف.

۸ رکعت تروایح.

دلائل برکفرمولانای روم(مثنوی معنوی).

احکام ومسائل اعتکاف.

احکام ومسائل عیدین.

۱۳ سوال از صوفی ها.

حکم مسح بر جراب.

وهابیت وحنفیت.

زندگی نامه امام محمدبن عبدالوهاب وخدمات او به اسلام

۴۰۰ سوال وجواب درعلم حدیث.

امریکا قاتل بشریت.

اللّه درکجاست؟.

احکام وآداب عاشورا.

اهل الحدیث هم اهل النبی.

امور خلاف شریعت.

توسل مشروع ونامشروع.

حقوق زن در اسلام.

دفاع از سیدقطب.

دفاع از ابوهریره.

سیرة النبی برای جوانان.

حکم مسح برگردن.

نماز رسول الله ﷺ.

اجماع علمای محمدی برکفر ابن عربی

حکم تجلیل از میلاد النبی

حکم خروج باجماعت تبلیغ

داستان توبه شیخ خالدراشد

شرح افغانی ، بر اربعین نووی

معرفی کتب ضعیف واسرائیلی

۴۰ سوال از برادران مقلد

شروط الصلاة ، سنگسارحکمی از احکام الله

معرفی تفاسیرضعیف‌واسرائیلی

شناخت فرقه های گمراه